

چکیده

یکی از چالش‌های پیش‌روی متخصصان ارایه خدمات آموزشی و توانبخشی مناسب به والدین کودکان مبتلا به اختلال فلج مغزی، شناسایی مهم‌ترین نیازهای آنان است. بدین ترتیب پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای والدین دارای فرزند مبتلا به اختلال فلج مغزی انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع زمینه‌یابی (پیمایشی) است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی والدین دارای فرزند مبتلا به فلج مغزی استان گیلان، در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ است. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰۰ نفر بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش و نیازهای والدین دارای کودکان مبتلا به اختلال فلج مغزی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی و آزمون فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد پرسشنامه نیازهای والدین دارای کودکان مبتلا به اختلال فلج مغزی به ترتیب اهمیت دارای ابعاد، آگاهی نسبت به نیازهای اجتماعی کودک، آگاهی نسبت به نیازها و امکانات درمانی کودک، نیاز به دانش و آگاهی است. همچنین نیازهای والدین دارای فرزند مبتلا به اختلال فلج مغزی شامل؛ نگرانی نسبت به آینده شغلی و ازدواج فرزند با میانگین رتبه (۳۲/۴۶) مهمترین عامل و پس از آن نگرانی نسبت به برخورد افراد جامعه با فرزند با میانگین رتبه (۳۱/۰۹) و حمایت و تلاش اعضای خانواده در جهت بهبود وضعیت فرزند با میانگین رتبه (۲۹/۴۶) در رتبه دوم و سوم قرار دارند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که شناسایی نیازهای جسمی و حسی و روانشناختی، درمانی و توانبخشی کودکان مبتلا به اختلال فلج مغزی از سوی والدین، ارتباط گرم و صمیمانه بین والدین و کودک و نحوه‌ی مراقبت باعث بهبود روابط متقابل فردی و اجتماعی، کاهش رفتارهای سازش‌نا یافته و توانمندسازی کودک فلج مغزی می‌شود.